گزارش

فعالیت روحانی در تعطیلات

ایرنا: دبیر و کنندوهای داخلی و خارجی، برگزاری جلسه هیات وزیران، سرکشی به افشار آسیب‌پذیر جامعه و بررسی راه‌های اجرای اقتصاد مقاومتی در سال اقتصاد و فرهنگ، بخشی از فعالیت‌های رییس‌جمهوری در تعطیلات نوروزی بود. ناگفته پیداست که همه فعالیت‌های رییس‌جمهوری در طول تعطیلات نوروز رسانه‌ای نمی‌شود و فقط بخش‌هایی از آن در اختیار مردم قرار می‌گیرد که بر همین اساس کوشش‌ای از این اخبار مورد بازبینی قرار گرفته است.

● رییس‌جمهوری عصر آخرین روز سال ۹۳ عازم سمنان شد تا دیداری با مادرش داشته باشد و در آخرین پنجشنبه به زیارت اهل قبور بهویژه پدر برود.

● حسن روحانی همچنین در این روز با ارسال پیام‌هایی جداگانه، فرارسیدن نوروز ۱۳۹۳ را به سران کشورهای افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ارمنستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکیه تبریک گفت.

● با تحویل سال ۱۳۹۳ در ساعت ۲۰:۲۷ پس از آنکه رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام نوروزی خود را صادر فرمودند، رییس‌جمهوری هم اولین گفت‌وگوی خود را با مردم آغاز کرد و در سال ۹۲ آنچه به‌عنوان حماسه سیاسی انتظار می‌رفت، ملت ایران خلق کردند و آفریدند. یقینا حماسه سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه بیشتری یافت. یکی حرکت انتخابات در نیمه اول سال و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه دوم. درباره انتخابات حرف بسیار زدیم؛ هم این انتخابات، هم همه انتخابات متعددی که از اول انقلاب تاکنون برگزار شده است. همچنین درباره راهپیمایی‌های بزرگ سراسری بسیارند و بهمن، هم این حقیر و هم دیگران. مطالب متعددی را بر زبان آوردهاند که نمی‌خواهیم آنها را تکرار کنیم؛ ولی دو نکته درباره این دو حادثه وجود دارد. دقیقا هر کدام از این دو حادثه‌ای که به معنای واقعی کلمه هر کدام یک رسالته فراگیر از وضعیت کشور ما و ملت ما در مقابل تجلی‌پرکاسی‌های مغرضانه تبلیغات جهانی است. نکته‌ای وجود دارد که من مایلم قبل از مطالب مربوط به سال ۹۳ به این دو نکته بپردازم.

نکته اول در باب انتخابات است. برادران و خواهران عزیز توجه کنند که از اول انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات پایین نیفتاده است. تنزل نکرده است! این خیلی مهم است. در اخرین انتخاباتی که ملت ما برای مسئولان رأی رفتند- یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم- شرکت مردم در انتخابات ۷۲درصد بود؛ این رقم، هم در بین انتخابات ایران یک رقم بالایی است و یک نصاب برجسته‌ای است. هم در بین انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز اتفاق افتاده است یکی از بالاترین رقم‌ها است؛ معنای این چیست؟ معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن، این است که نظام جمهوری‌اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست. کشوری که در طول قرن‌های متمادی با حکام مستبد و دیکتاتورگذران می‌کرده است- آن چنان با مردم‌سالاری و شرکت مردم در انتخاب صاحبان قدرت، آشنا و درهم‌آمیخته شده است که بعد از گذشت ۳۵ سال از هجرت ملت ایران، مردم وقتی نوبت انتخاب می‌رسد، ۷۲درصد در انتخابات شرکت می‌کنند؛ قدر این را باید دانست. من به شما جوان‌ها و به همه عناصری که صاحب فکرند در سرتاسر کشور عرض می‌کنم. این نعمت بزرگ را نشناسی نکنید؛ همچنان که در سال ۸۸ این نعمت را نشناختند. دیدید چه اتفاقی افتاد. الزامات آن چیست. چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب می‌دهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسئله فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسأله مهمی است، عرایضی را عرض خواهم کرد.

سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. این یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور است- این از جنبه مثبت- اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این ۲۰-۳۰ سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زاست. درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور و با خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست. اما درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، این بورگرایست یا اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست. اینها را گرفتم عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها (از قلم‌ها و زبان‌ها و مفزهای مغرض، مشغول کارند که آلفا کنند! مبلد! اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند، انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسوولان را از این راه- که راه سعادت است- جدا کنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سال ۹۲ آنچه به‌عنوان حماسه سیاسی انتظار می‌رفت ملت ایران خلق کردند و آفریدند. یقینا حماسه سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه اول سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه دوم

شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است. این هم نکته مربوط به راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن.

اما راجع به آنچه مربوط به امسال است: من اینجا یادداشت‌هایی کرده‌ام، عرایضی دارم، سعی می‌کنم این عرایض را به صورت مجمل- در همین مجالی که امروز داریم؛ چون امروز جمعه است و وقت ما در پایان، محدود به نماز جمعه است- انشاءالله در همین وقت، آنچه را مورد نظر است عرض بکنم؛ اما اگر مطلبی هم ناگفته بماند، امیدوارم در گفتارهای صاحب‌نظران و دانایان جامعه که می‌فهمند سیاست جمهوری اسلامی، امروز چیست و چه‌کار دارد انجام می‌گیرد، برای افکار عمومی روشن بشود. حرف من- آنچه که امروز می‌خواهم عرض کنم به‌طور خلاصه و در یک جمله- عبارت است از اینکه ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف درباره اقتدار ملی است. من عرض می‌کنم به ملت عزیزمان که اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، جای‌گیران عالم، از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا و او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ که هر کاسلی قدرت بگند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت. شاعر معروف می‌گوید:

مرگ برای ضعیف امر حتمی است
هر قوی اول ضعیف گشت و سپس مرد

می‌گوید مرغ بچه را آوردند در برابر آن کسی که گوشت مرغ و گوشت حیوانی نمی‌خورد، نگاه کرد؛ اشک تحسر- از حد دو دیده بیفشرد؛ به این مرغی که جلویش گذاشته بودند، گفت:

گفت آیه مرغ! از چه شیر نشکنی
تا نتواند کست به مسلخ آورد

اگر تو از خودت می‌توانستی دفاع کنی و در خودت قدرتی می‌داشتی، حرات نمی‌کردند این جور سر تو را ببرند. من نه آن شاعر را قبول دارم، نه ابوالعلای معری را که از قول او این حرف گفته شده است؛ اما این را قبول دارم که مرگ در دنیایی که بر اساس افکار مادی اداره می‌شود، برای ضعیف امر طبیعی است؛ این را قبول دارم. اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند. بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن، فاصله زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیروی را که بتوانند مقابله کنند یا زور گویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ اما ملت ما این‌جور نیست- ما استعداد قوی‌شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملت ما به سمت اقتدار ملی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است؛ من بر این اساس نقشه کلی سال ۹۳ را در این دو عنصر می‌بینم که در پیام اول سال عرض کردم: اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و با مدیریت جهادی.

چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند. اقتصاد از بر محور تعاملات هم لازم است، اما فقط با تسلیحات جیغ ملتی قوی نمی‌شود. من وقتی نگاه می‌کنم به عنصر را پیدا می‌کنم که دو عنصر از آنها همین دو نقطه‌ای است که در پیام عرض کردم؛ این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود. یکی اقتصاد، یکی فرهنگ و سومی علم و دانش. درباره دانش، در این ۱۰، ۱۲ سال گذشته حرف‌های زیادی زده شد و بحمدالله اثر کرد. امروز ما در دانش داریم پیش می‌رویم- که بعد باز شاید اشاره‌ای بکنم- اما در مورد اقتصاد و در مورد فرهنگ، یک اهتمام بیش از معارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی دربیاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشستوخواست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، به ما بدهد یکنیم؛ این همان اقتصاد مقاومتی است که سیاست‌های آن در استفاده ابلاغ شد؛ بنده هم با مسوولان و مدیران برجسته کشور لطف داشتم، مفصل راجع‌به آن صحبت کردیم؛ تجاوب هم کردند؛ بعد مسوولان سه گروه که خوشتان هم در تنظیم این سیاست‌ها مؤثر بودند و حضور داشتند، استقبال کردند و گفتند ما اگر با انجام می‌دهیم. من می‌خواهم یا مردم عزیزمان درباره اقتصاد مقاومتی لذکی آمیز و صحیت کنم و مردم از خود این حقیر، مطلبی را که می‌خواهم عرض کنم بشنوند.

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیرآمریکا زیرورو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم، به سه سال درمورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سال را مطرح می‌کنم. سوال این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟ سوال دوم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم تحقق پیدا می‌دهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است یا نه، خیالات خام است؟ سوال سوم: اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست. چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب می‌دهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسئله فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسأله مهمی است، عرایضی و اعرض خواهم کرد.

سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. این یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور است- این از جنبه مثبت- اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این ۲۰-۳۰ سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زاست. درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور و با خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست. اما درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، این بورگرایست یا اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست. اینها را گرفتم عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها (از قلم‌ها و زبان‌ها و مفزهای مغرض، مشغول کارند که آلفا کنند! مبلد! اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند، انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسوولان را از این راه- که راه سعادت است- جدا کنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سوم اینکه این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند. اقتصاد از بر محور تعاملات هم لازم می‌دهد؛ اما ممکنی از آن این است که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند- در اقتصاد مقاومتی، تخبر تجربه‌ها و مهارت‌ها- تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند- می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر باتجربه صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارگرانی بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ تجربه، نقش بسیار مهمی هم برعهده اینهاست.

پنجم، این اقتصاد، اقتصادمحور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری- آمثل! رشد ملی، تولید ناخالص ملی- اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که یکوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ نه در شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین نشانه عدالت- عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه- یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است. اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور عدالت، هم کار می‌کنیم. این بیان در این برنامه به‌معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

ششم- در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راحل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست؛ اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است- که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلا مربوط به غلطبودن قانون فرانه است- نه، این هل همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، باروخ خواهد بود و به درجه کمک می‌کند. این سوال اول.

سوال دوم این بود که آیا این برنامه اقتصادی که شما می‌گویید اقتصاد مقاومتی، یک امر خیالی و توهمی است و آرزو دارید که اتفاق بگیرد؛ یا نه، عملا ممکن است؟ پاسخ این است که نخیر، کاملا، عملا تحمل ممکن است. چرا؟ به‌خاطر ظرفیت‌ها؛ چون این کشور، دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیت‌های کشور را عرض می‌کنم. اینها چیزهایی است که آمارهای جعبه‌ورغیب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند.

یکی از ظرفیت‌های مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور- از ۱۵ سال تا ۳۰سال- یک حجم عظیم از ما را تشکیل می‌دهد؛ این خودش یک ظرفیت است. تعداد ۱۰ میلیون دانش‌آموخته دانشگاه‌ها را داریم؛ ۱۰ میلیون از جوان‌های ما در طول این سال‌ها از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شدند. همین حالا بیش از چهارمیلیون دانشجو داریم که اینها در طول جنبشاند آینده فارغ‌التحصیل می‌شوند؛ چوان عزیز بدانید. این چهارمیلیونی که می‌گویم، ۵۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است! جمعیت کشور نسبت به آن موقع تند دوبرابر، اما تعداد دانشجو نسبت به آن موقع تند ۵۵ برابر! امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم. علاوه بر اینها، میلیون‌ها نیروی متعبر و ماهر داریم. ببینید، همین‌هایی که در دوران جنگ ما به افزایش مسلح ما رسیدند در دوران جنگ‌تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کارافتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهدیدشدن نیروهای ما از وسایل لازم- مثل وسایل حمل‌ونقل و این چیزها- بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها- که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را می‌دیدم! اخیرا هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند از روز جنوب بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان نور در آنها هست- رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی، این پل‌های عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جاده، امثال اینها. بهوسیله همین نیروهای مجرب و ماهر بوجود آمد؛ امروز هم هستند. امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله، تحصیلکرده نیستند. اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیلکرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

یکی از ظرفیت‌های مهم کشور ما منابع طبیعی است- من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا بدقدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه کشورهای دنیای شرق و غرب عالم- بیشتر است. اسمال که من دارم با شما حرف می‌زنم، کشفیاتی درمورد گاز شده است که نشان می‌دهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است که سرمایه‌گذاری می‌کند است. بیشترین ذخیره منابع انرژی- که همه دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد- در کشور ما است. علاوه بر این، معادن طلا و معادن فلزات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. کوه‌های سنگ‌های قیمتی، انواع و اقسام فلزهای گرانبها و اساسی- که مادر صنایع محسوب می‌شوند- در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیت بزرگی است.

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با ۱۵ کشور همسایه هستیم که اینها فرق‌نماید شدن حمل‌ونقل ترانزیت یکی از فرصت‌های بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محبوت منتهی می‌شود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی می‌کنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی است که ما با یک بازار ۷۵میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری، بازار مهمی است.

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است: نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور فراهم می‌کند؛ ظرفیت‌های یک کشور است.

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید. اما اجون تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف درست نیست. ما در بسیاری از مسایل دیگر هم در این سال‌ها، تحریم نداشتیم؛ اما در بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است- یک مثال آن، صنعت و فناوری است در اینها ما تحریم بودیم؛ الان هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بیرز دنیا به روی دانشمند ایران و دانشجوی ایرانی بسته است. اما درعین‌حال، ما در تلو پیشرفت کردیم. در هسته‌های مسلح ما رسیدند. در دوران جنگ‌تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کارافتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهدیدشدن نیروهای ما از وسایل لازم- مثل وسایل حمل‌ونقل و این چیزها- بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها- که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را می‌دیدم! اخیرا هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند از روز جنوب بودند، حالا سنی از آنها گذشته، اما همان انگیزه و همان نور در آنها هست- رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی، این پل‌های عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جاده، امثال اینها. بهوسیله همین نیروهای مجرب و ماهر بوجود آمد؛ امروز هم هستند. امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله، تحصیلکرده نیستند. اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیلکرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.

دوم، صاحبان سرمایه در کشور ما هستند- من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا بدقدر ایران، بر روی‌هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه کشورهای دنیای شرق و غرب عالم- بیشتر است. اسمال که من دارم با شما حرف می‌زنم، در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور عدالت، هم کار می‌کنیم. عدالت در این بیان و در این برنامه به‌معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

عکس‌ها: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

بیانات مقام‌معظم‌رهبری در حرم‌مطهر رضوی در اولین روز سال

واقعیات جامعه جهانی بر اساس خواسته آمریکا پیش نمی‌رود

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلاه و السلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداه المهدیین المعصومین سیما بقیه‌الله فی الارضین اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها اللهم صل علی ولیک علی ابن موسی عدد ما احاط به علمک، صلاه دایمه یدوام بقاءک و کبریائک، اللهم سلم علی ولیک علی ابن موسی الرضا عدد ما فی علمک، سلاما دایما یدوام مجدک و عظمتک و کبریائک.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که تفضل فرمود و عمر داد تا بتوانیم یکبار دیگر و یکسال دیگر، در جوار این مرقد منور و آسمانی در این جمع پر شور و صمیمی، با شما برادران و خواهران عزیز گفت‌وگو کنیم. لازم است لوز نوروز و حلول سال نو را باز دیگر، به همه برادران و خواهرانی که سخنان ما را می‌شنوند و به همه ملت ایران تبریک عرض کنیم و از خداوند متعال برای ملت ایران و همه مسلمانان جهان سال پر برکت و زندگی همراه با سعادت را مسالت نماییم؛ و امیدوارم خداوند متعال تفضل بفرماید و سالی که امروز آغاز شده، سالی باشد در شأن ملت بزرگ ایران؛ سالی پر خیر و برکت و برخوردار از تفضلات الهی و توجهات پروردگار.

یک جمله‌ای در باب سال ۹۲ که دیروز به پایان رسید عرض کنیم. یقینا حماسه سال اشاره کردیم که در سال ۹۲ آنچه به‌عنوان حماسه سیاسی انتظار می‌رفت، ملت ایران خلق کردند و آفریدند. یقینا حماسه سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه اول سال- و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه دوم. درباره انتخابات حرف بسیار زدیم؛ هم این انتخابات، هم همه انتخابات متعددی که از اول انقلاب تاکنون برگزار شده است. همچنین درباره راهپیمایی‌های بزرگ سراسری بسیارند و بهمن، هم این حقیر و هم دیگران. مطالب متعددی را بر زبان آوردهاند که نمی‌خواهیم آنها را تکرار کنیم؛ ولی دو نکته درباره این دو حادثه وجود دارد. دقیقا هر کدام از این دو حادثه‌ای که به معنای واقعی کلمه هر کدام یک رسالته فراگیر از وضعیت کشور ما و ملت ما در مقابل تجلی‌پرکاسی‌های مغرضانه تبلیغات جهانی است. نکته‌ای وجود دارد که من مایلم قبل از مطالب مربوط به سال ۹۳ به این دو نکته بپردازم.

نکته اول در باب انتخابات است. برادران و خواهران عزیز توجه کنند که از اول انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات پایین نیفتاده است. تنزل نکرده است! این خیلی مهم است. در اخرین انتخاباتی که ملت ما برای مسئولان رأی رفتند- یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم- شرکت مردم در انتخابات ۷۲درصد بود؛ این رقم، هم در بین انتخابات ایران یک رقم بالایی است و یک نصاب برجسته‌ای است. هم در بین انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز اتفاق افتاده است یکی از بالاترین رقم‌ها است؛ معنای این چیست؟ معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن، این است که نظام جمهوری‌اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست. کشوری که در طول قرن‌های متمادی با حکام مستبد و دیکتاتورگذران می‌کرده است- آن چنان با مردم‌سالاری و شرکت مردم در انتخاب صاحبان قدرت، آشنا و درهم‌آمیخته شده است که بعد از گذشت ۳۵ سال از هجرات ملت ایران، مردم وقتی نوبت انتخاب می‌رسد، ۷۲درصد در انتخابات شرکت می‌کنند؛ قدر این را باید دانست. من به شما جوان‌ها و به همه عناصری که صاحب فکرند در سرتاسر کشور عرض می‌کنم. این نعمت بزرگ را نشناسی نکنید؛ همچنان که در سال ۸۸ این نعمت را نشناختند. دیدید چه اتفاقی افتاد. الزامات آن چیست. چه کارهایی باید انجام بگیرد؟ امروز من به این سه سؤال جواب می‌دهم؛ این مربوط به اقتصاد است. بعد راجع به مسئله فرهنگ هم که به نظر من بسیار مسأله مهمی است، عرایضی را عرض خواهم کرد.

سؤال اول: گفتیم که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست. این یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور است- این از جنبه مثبت- اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این ۲۰-۳۰ سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه گفتیم این اقتصاد درون‌زاست. درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور و با خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست. اما درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، این بورگرایست یا اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست. اینها را گرفتم عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها (از قلم‌ها و زبان‌ها و مفزهای مغرض، مشغول کارند که آلفا کنند! مبلد! اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند، انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسوولان را از این راه- که راه سعادت است- جدا کنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

سال ۹۲ آنچه به‌عنوان حماسه سیاسی انتظار می‌رفت ملت ایران خلق کردند و آفریدند. یقینا حماسه سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه اول سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه دوم

سوم اینکه این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند. اقتصاد از بر محور تعاملات هم لازم می‌دهد؛ اما ممکنی از آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند- در اقتصاد مقاومتی، تخبر تجربه‌ها و مهارت‌ها- تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند- می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر باتجربه صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارگرانی بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ تجربه، نقش بسیار مهمی هم برعهده اینهاست.

پنجم، این اقتصاد، اقتصادمحور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری- آمثل! رشد ملی، تولید ناخالص ملی- اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که یکوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ نه در شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین نشانه عدالت- عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه- یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است. اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور عدالت، هم کار می‌کنیم. عدالت در این بیان و در این برنامه به‌معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

ششم- در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راحل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست؛ اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است- که یک مقداری از آن مرب